

■ **حضرت امیر المؤمنین علی:**
مسئول و رئیس بی عدالت، مانند اری بی باران است.

اذان ظهر: ۱۱:۵۷ ■ غروب آفتاب: ۱۶:۵۱
اذان مغرب: ۱۷:۱۱ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۲
اذان صبح فردا: ۵:۳۴ ■ طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۴

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری

■ سردبیر: دانیال معمار

روزنامه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی

■ شنبه ۱۹ آذر ۱۴۰۱ ■ سال سیام ■ شماره ۸۶۶۰

تولید: دانش بنیان، اشتغال آفرین

همشهری

■ چاپ: همشهری

■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:

■ تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰۰

■ پذیرش آگهی:

■ تلفن: ۸۴۳۲۱۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه شهید سیدکمال قرینی، شماره ۱۴

■ کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ تهران، صندوق پستی ۱۹۶۹۵/۵۴۴۶

■ تلفن: ۲۳۰۳۰۰۰، شماره: ۴۶۰۶۷-۲۳۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir

■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

تقویم / سالمرگ

دال بزرگ



امروز ۴سال از درگذشت احمدرضا دالوند، گرافیسیت، تصویر ساز، نویسنده و منتقد هنری می‌گذرد. دالوند از شاگردان در تفسی ممیز، صادق بربرانی و هانیبال الغاصی و از تصویرگران و طراحان گرافیک شناخته‌شده کشورمان است و از قدیمی ترین تصویر سازان و منتقدان هنر جسمی بعد از انقلاب نیز محسوب می‌شود. دالوند سال ۱۳۳۷ به دنیا آمد. او از نسل هنر منسدان و روزنامه‌نویس هایی بود که جوانی‌شان مقارن با سال های پراشتهاپ انقلاب اسلامی بود و نگاه و جهان بینی‌شان متأثر از این رویداد اجتماعی بزرگ شکل گرفت: نگاهی که کانون آن «گسترش آگاهی عمومی» بود. او در فاصله سال های دهه های ۵۰ تا ۷۰ در فضاهای مختلف رسانه‌ای به فعالیت پرداخت و به عنوان طراح گرافیک، مدیر هنری و نویسنده قلم زد اما دوران اوج شکوفایی فعالیت این روزنامه‌نگار و طراح گرافیک، همزمان با پیوستن به روزنامه «جامعه» به سردبیری ماشاءالله شمس‌الواعظین بود. شمس‌الواعظین لقب «دال بزرگ» را به این هنرمند عرصه گرافیک داده بود. البته او پیش از اینکه به دعوت شمس‌الواعظین به عنوان «مدیر هنری» به تحریریه روزنامه «جامعه» بپیوندد، با کار کردن در مجله «آدینه» به سردبیری سبروس علی‌نژاد، نام و آوازه‌ای در فضای مطبوعاتی به هم زده بود. دالوند در سال ۱۹۹۲ طراح برگزیده کتاب سال گرافیک اروپا، در سال ۱۹۸۹ طراح ممتاز سمپوزیوم بین‌المللی طراحی ژاپن، در سال ۱۹۹۰ طراح برگزیده روزنامه یومبوری شیمبون ژاپن و از سال ۱۹۸۸ تا ۱۹۸۹ طراح مجله «وینی‌ولند» آمریکا بود. این هنر مند علاوه بر فعالیت‌هایی که در حوزه آموزش و برگزاری ورک‌شاپ‌های تخصصی چون اقتصاد هنر و بررسی‌های تخصصی در موضوعات متنوع هنر داشته، آرم‌های مؤسسه اعتباری توسعه، نشر ثالث، نشر نکته، نشر بر تر، نشر شهریار و لوگوهای ماهنامه گلستانه، ماهنامه مدیریت ارتباطات، ماهنامه وب، روزنامه وقایع اتفاقیه (دوره نخست)، روزنامه حیات نو، روزنامه اقتصاد پویا، روزنامه شهروند، هفته‌نامه آتیه و هفته‌نامه جوان را نیز طراحی کرده است. علی‌اصغر قرباغی، نویسنده، مترجم و منتقد هنر در مورد او گفته: «دالوند یک جا طراح و نقاش است و جای دیگر گرافیسیت و تصویر ساز؛ یک جامعمار صدا و گفتار است و جایی دیگر تصویرکننده با تاپ‌های فلسفی. اکثر طرح‌های دالوند به سبب ماهیت پرتوانی که دارند مستقل از ادبیات جلوه می‌کنند؛ در نهایت شکل فرانتی فردی از یک متن را دارند و آن قدر قائم به ذات هستند که بدون تاریخ مصرف، در یک نگارخانه به عنوان آثار هنری مستقل به تماشا گذاشته شوند.» احمد رضا دالوند سپس از یک دوره بیماری سخت، سرگاه دوشنبه نوزدهم آذرماه در ۶۰سالگی در خانه‌اش درگذشت.



کره می‌خواهد یک قدرت اقتصادی و فرهنگی و تکنولوژی در آسیا و دنیا باشد، نباید درگیر چنین پیچیدگی‌های بیهوده‌ای باشد و رئیس‌جمهور این کشور گفته که این روش‌های متفاوت برای احتساب سن و سال، اتلاف منابع است. این انتقاده‌ها سرانجام کارگر شد و براساس قانونی که روز پنجشنبه تصویب شده، قرار است از بهار سال آینده، تنها ملاک سن و سال مردم در کره جنوبی، سن بین‌المللی باشد. بر این اساس، در حوزه‌های اداری و قضایی، سن بین‌المللی ملاک قرار خواهد گرفت و دولت هم مردم را تشویق خواهد کرد تا این سن را اصل قرار دهند. به‌صورت سنتی، مردم در این کشور در زندگی روزمره، از سن کره‌ای خود استفاده می‌کنند که رگ و ریشه‌ای چینی دارد اما دولت امیدوار است مردم هم تنها به سن بین‌المللی بسنده کنند و به پیچیدگی‌ها دامن نزند.

اول آخر

شاور میلاد حامل پیکر ۱۱۱ شهید دوران دفاع مقدس از مسیر آبراه بین‌المللی ارون‌درو وارد اسکله بندر آبادان شد. عکس: محمدحسن حیواوی



بوک مارک

شب ممکن

«شب بعد از آن شب بود. همان شبی که به‌قول تو هر دو باهم ناگهان بزرگ شدیم. اگر بخواهم رمانتیک شوم، زیادی رمانتیک شوم، باید بگویم گاهی که دست از شوخی برمی‌داشتی و جدی حرف می‌زدی، کلمه‌ها یک‌طور دیگر می‌شدند. چرا مزخرف می‌گویم! یک‌طور دیگر یعنی چی؟ من که به‌قول تو تا نیم را از کنار هم گذاشتن کلمه‌ها می‌خورم چرا نمی‌توانم به جای «یک‌طور دیگر» چیزی مناسب، مناسب معنای کلمه‌ها، گاهی که دست از شوخی برمی‌داشتی و جدی حرف می‌زدی، انتخاب کنم؟»



محمدحسن شهبواری

بخواهیم دری را به روی تاریکی باز کند و قضایی را بگریزد. من در گاه خداوند چندان آبرویی ندارم. اگر چه که برای مادر دنیل دعا کرده‌ام. اما می‌خواهم از شما که احیاناً این ستون را می‌خوانید و تقریبی در در گاه حق تعالی دارید درخواست کنم امروز یا اصتب یا در روزهای پیش‌رو، برای شفای مادر دنیل دعا کنید که گفت: «به صفای دل زندان صبحی زندگان ایس در بسته به مفتاح دعا بکشایند».

کم گفتن و ایضاً گزیده گفتن

مریم ساحلی

یک وقت‌هایی کلمات بی‌محاجا از دهان‌مان جاری می‌شوند. حرف می‌زنیم پشت حرف و لایه‌لای همین حرف‌ها، آنچه نباید هم می‌گوییم. آن وقت حسرت، توی دل‌مان قد می‌کشد و هی سر تکان می‌دهد و یک‌ریز غر می‌زند: کاش نگفته بودی! کاش اول، حرفت را مزمه کرده بودی. اصلاً این همه حرف زدی که چه؟ گیرم که همه حرف‌هایت هم خوب و فشنگ و شایسته، نمی‌شد به اندازه و باطمینان حرف بزنی؟ می‌شد. حتماً می‌شد. کم گفتن و ایضاً گزیده گفتن، زینتی‌ست که آراسته بودن به آن خود سعادت بزرگ است. جناب نظامی حوالی ۸۰۰ سال پیش، خطاب به فرزند خویش فرمودند: «کم‌گویی و گزیده‌گویی چون در/ تا از اندک تو جهان شود پر».

نمی‌دانم محمد، پسر نظامی تا چه اندازه این پند پدر را آویزه گوش ساخت اما می‌دانم بسیاری از ما که زیر سقف کلاس‌های درس چشم بر صفحات کتاب فارسی چرخانیدیم و مثلاً گوش به تفسیر معلم سپردیم، به‌راحتی از کنار این اندرز گذشتیم. یک وقت‌هایی فکر کردیم در هر جمع و گسده‌ای، پای هر موضوعی تا به میان رسید، اگر چند کلام بگوییم، بد که نیست هیچ، بسیار هم خوب است. لابد همه می‌گویند، به‌به عجب دایره اطلاعات وسیعی و! این چنین می‌شود که بعضی افراد در یک زمان و یک محفل هم نسخه برای آنکه از دل درد، کز کسب گوشه‌ای، می‌پیچند و هم از حقوق بین‌الملل و اقتصاد و معماری و نجوم و! اسباب‌های اجتماعی حرف می‌زنند. آنها حرف می‌زنند و گاه بر گفته‌های خویش اصرار می‌ورزند، بی آنکه ببیندیشند آموخته‌هاشان تا چه میزان بر تحصیلات آکادمیک، مطالعات و تحقیقات لازم استوار است. البته این به‌راحتی سخن گفتن، این روزها بیش از جهان دور و بر ما، در شبکه‌های اجتماعی هم به‌وضوح قابل مشاهده است. حرف‌هایی که به ثبت می‌رسند و بیش از سخن گفتن در جمعی کوچک ما را در معرض قضاوت افراد مختلف قرار می‌دهند. می‌دانم و می‌دانید که بی‌تردید کم گفتن و گزیده گفتن نیکوست اما رسیدن به آن در گرو پیشه ساختن تأمل و صبر است. نمی‌دانم آخر و عاقبت فرزند نظامی چه بود اما خود او تکیه بر مخدع‌ای فیروزه‌ای، در تاریخ همچنان زمزمه می‌کند: «با اینکه سخن به لطف آب است / کم گفتن هر سخن ثواب است».

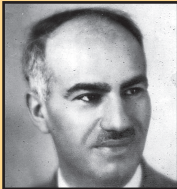


کتابخانه

۹۰ سال از انتشار جلد دوم «جغرافیای مفصل ایران» نوشته مسعود کیهان گذشت

جغرافیای نخست

حمیدرضا محمدی



وقتی کمیته آهن در خانه سید ضیا الدین طباطبایی در زرگنده شکل گرفت، از اعضای اصلی‌اش بود و وقتی کودتای سوم اسفند به ثمر نشست و پایتخت دولت به‌دست رضاخان میرپنج افتاد، به وزارت جنگ رسید اما یک ماه پیش از سقوط دولت کودتا پس از اختلاف با سردار سپه از امور کناره گرفت و راهی اروپا شد. در بازگشت، به‌سبب تسلطی که داشت، معلم زبان فرانسه مدرسه دارالفنون، مدرسه علوم سیاسی و دانشسرای عالی شد زیرا او سال‌ها پیش فتون رزم را در آنجا آموخته بود. ۴۰ سال بعد، یعنی در سال ۱۳۰۷ او باز هم به اروپا رفت و این‌بار اما سرپرست محصلان اعزامی شد. در فرانسه جغرافیا خواند و وقتی به ایران برگشت، یک سال بود که دانشگاه تهران تأسیس شده بود. پس به دانشکده ادبیات رفت و استاد جغرافیا شد.

حالا دیگر ماژور مسعودخان کیهان شده بود دکتر مسعود کیهان. او که بعد از موزه مردم‌شناسی و فرهنگستان ایران عضویت یافت، مدتی نایب‌التولیه مدرسه سپهسالار بود و بعد معاونت دانشگاه تهران را تجربه کرد. او که وزیر فرهنگ دولت رحبعلی منصور، در بهار آخرین سال سال ۲۰ بود، اما کتابی دارد با نام «جغرافیای مفصل ایران»، در ۳ جلد مشتمل بر جغرافیای طبیعی، سیاسی و اقتصادی که در اثنای تحصیل در پاریس، وقتی ۳۰ تا ۴۰ ساله بود به رشته تحریر درآورد تا سرآغازی باشد بر جغرافیانگاری آکادمیک در ایران. اثری که تا نیم‌قرن تنها کتاب مرجع و دایره‌المعارفی درباره جغرافیای ایران بود و طی سال‌های ۱۳۱۰ تا ۱۳۱۲ از سوی مطبعه مجلس منتشر شد اما قدر نادیده مانده است. جلد دوم این اثر که درباره جغرافیای سیاسی ایران است، با بیش از ۵۵۰ صفحه، ۲۸ نقشه و ۷۳ گاور در سال ۱۳۱۱ منتشر شده و در آن، پس از شرح سرحدات قدیم و مختصری از تاریخ جغرافیایی، حدود و ثغور مورد بحث قرار گرفته و سپس درباره سرحدات کنونی ایران بحث شده است و بعد به‌سراغ طرز حکومت و تشکیلات مملکتی ایران رفته و به جزئیات تقسیمات کشوری در آن زمان پرداخته است.

گرینبویج



حل معمای قتل ۶۵ ساله

پلیس‌ها در کشورهای مختلف، پرونده‌هایی دارند که به‌نظر هر گز حل شدنی نمی‌رسند. بعضی از آنها، چنان معروف می‌شوند که به نماد پرونده‌های حل نشده تبدیل می‌شوند. درست مثل پرونده «پسر درون جعبه» در فیلادلفیا در آمریکا که نزدیک به ۷ دهه، پلیس و مردم را سیردرگم گذاشته بود. پیشرفت‌های علمی اما در نهایت به کمک پلیس آمد و بعد از ۶۵ سال مشخص شد که این مقتول ۴ ساله، جوف زارلی نام دارد. این مقتول کم‌سن‌وسال، پتو بیچ شده در یک جعبه پیدا شده بود و مشخص بود به قتل رسیده است. این پرونده در سال ۱۹۵۷ توجه زیادی را به‌خود جلب کرد اما هیچ‌کس با پیش نگذاشت و مشخص نشد این مقتول، پسر کدام خانواده است. ۶۵ سال بعد اما تلاش‌های پلیس و استفاده از متدهای جدید علمی از جمله بررسی دی‌ان‌ای مقتول، باعث شده تا تحویلی بزرگ در این پرونده روی دهد و هویت مقتول شناسایی شود. پلیس فیلادلفیا گفته، چند نسل از افسران‌ش روی این پرونده کار کرده‌اند تا این مقتول خردسال فراموش نشود. پلیس گفته است که علاوه بر حل مسئله هویت مقتول، به سرخ‌هایی هم درباره نحوه قتل او دست پیدا کرده اما چون هنوز تحقیقات در جریان است، نمی‌تواند جزئیات بیشتری ارائه دهد. پلیس در آمریکا اخیراً با بررسی دی‌ان‌ای، چند پرونده مهم دیگر را هم حل کرده است.

شگفتی ابرهای موجی



دیدن امواج متوالی خروشان در اقیانوس، به اندازه کافی زیبا و چشم‌نواز است اما فکرش را نکنید که برخی در آمریکا، جقدر خوش شانس بوده‌اند که این منظره را در آسمان دیده‌اند. البته طبیعی است که اقیانوس به آسمان نرفته بلکه این ابرهای زیبای آسمان ایالت وایومینگ بوده‌اند که چنین منظره بدیعی را خلق کرده بودند. این پدیده که در آن ابرها به شکل موج‌های همسان و متوالی درمی‌آیند، بسیار نادر است. یکی از ساکنان منطقه‌ای که ابرها بالای آن ایجاد شده، به خوبی آن را می‌دانسته و به همین خاطر، در ثبت این لحظه شگفت‌انگیز طبیعت درنگ نکرده و از این ابرها عکس و فیلم گرفته‌است. همین تصاویر حالا در سراسر دنیا مورد توجه قرار گرفته‌اند. دلیل اینکه این ابرها این شکلی می‌شوند این است که یک جریان سریع از هوا بالای ابرها می‌گذرد. به این پدیده، ناپایداری کلوین-هلمهولتز گفته می‌شود.

دستگیری پیر مرد مزاحم



هنوز هم آدم‌هایی در این دنیا پیدا می‌شوند که با گرفتن شماره‌های اضطراری از جمله شماره پلیس، مزاحمت ایجاد می‌کنند. نوع مزاحمت‌ها البته متفاوت است و به‌نظر می‌رسد این کار سن و سال هم نمی‌شناسد. یک پیرمرد ژاپنی، بعد از اینکه طی ۹ روز بیش از ۲ هزار بار به پلیس زنگ زده و به آنها فحش داده، سرانجام دستگیر شده است. این مرد در این ۲ هزار و ۶۰ تماس با پلیس، به آنها درز مالیات می‌گفته و فحش‌های دیگری هم تارشان می‌کرده. این پیرمرد ۶۷ ساله از پس در ساعات مختلف با دفتر پلیس پاناما تماس گرفته بود که با همه کارمندانی که شیف داشته‌اند صحبت کرده و به تکت‌تک آنها گفته بود که پول مردم را می‌خورند و باید اخراج شوند. در نهایت، پلیس از این مزاحمت‌های متوالی خسته شده و به خانه این مرد هجوم برده و او را به‌خاطر اخلال در وظایف پلیس، بازداشت کرده است.